

موضوع: بحث در مورد تدوین برنامه درسی آموزش جلوگیری از سوء استفاده جنسی

آقای دکتر سعیدی:

(۱) ابعاد تاثیر گذاری سوء استفاده جنسی:

سوء استفاده جنسی از دو بعد حال و آینده مدنظر است. بعد حال: به ابعاد شرعی، حیثیتی، اخلاقی و روانشناختی فرد آسیب دیده و ایجاد فرصت برای بزه کاری آسیب زندگان جنسی مربوط است و بعد آینده آن در کلید واژه " تبدیل آسیب دیدگان به آسیب رسانان " تحت تأثیر عقده های روانی - ناکامی ها و ناموفقیت ها و شکست ها و احساس کهنتری ها در قربانیان (آسیب دیدگان) - است.

(۲) شیوع مساله:

- بحث جلوگیری از سوء استفاده جنسی در کودکان، مسأله ای جهانی است و آموزش های لازم برای جلوگیری از آن، مورد وفاق می باشد.
- در سطح ملی، ولو آمار و ارقام دقیق نیست، ولی به لحاظ اهمیت موضوع حقوق تک تک انسان ها، فاجعه بار بودن چنین اتفاقی، حتی در نسبت های جمعیتی بسیار پایین، نیز برخی آمار ولو پراکنده نشان دهنده نسبت فزاینده مسأله مذکور، اشاره، تأکید و تایید مقامات وزارت آموزش و پرورش به مسأله مذکور، از قبیل تأکید معاونت حقوقی آموزش و پرورش و معاونت پرورشی آموزش و پرورش (حمیدرضا کفاش - در گفتگو با خبرگزاری ایسنا، کد خبر ۹۳۰۴۱۸۱۰۳۸۲)، نامه آموزش و پرورش منطقه تبادکان به دانشکده علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد مبنی بر درخواست حمایت های آموزشی در زمینه جلوگیری از سوء استفاده جنسی کودکان، به نظر نمی رسد در اصل پرداخت به موضوع تردیدی روا باشد.

۳) ماهیت امر:

آموزشِ جلوگیری از سوء استفاده، از جنسِ آموزشِ های ایمنی است یعنی رعایت *استانداردها* به منظور *جلوگیری از وقوع حتی یک مورد* و با توجه به انسان ساز بودن این پدیده ها به نظر می رسد در آگاه سازی والدین نسبت به خطرات موجود در اجتماع نظیر تعداد بسیار محدودی از رانندگان، مغازه داران، خطرات محیط های خلوت، تردهای نایمن و ... تردیدی نباشد.

۴) مخاطبان آموزش ها:

جلوگیری از سوء استفاده جنسی، علاوه بر آگاهی والدین، مستلزم آگاهی فرزندان می باشد و به طور یقین این آگاهی در کاهش تهدیدها بسیار مؤثر است. (علاوه بر آگاهی کودکان - افراد در معرض تهدید- یقیناً، لحاظ مجازات های سخت و قوانین محکم برای جلوگیری بسیار ضروری است.) علاوه بر دو گروه والدین و فرزندان، آگاهی مسئولان و معلمان مدارس و سایر نهادهای مرتبط با کودکان و نوجوانان اجتناب ناپذیر است.

۵) استلزامات:

در آگاهی رسانی به کودکان باید:

- منبعی انتخاب گردد که انتقال پیام صحیح توسط آن برای پوشش تمامی جامعه مخاطبان مسجل باشد.
- از حداقل آسیب رسانی در جهت تخریب روانی کودک همراه باشد.
- فاقد تحریک زایی، بیدارسازی جنسیو حساسیت سازی بیجا(ایجاد وسواس) برای کودکان و نوجوانان باشد.

۶) منبع انتقال پیام های آموزشی:

- سوال اساسی : منبع مناسب انتقال پیام ها : خانواده □ مدرسه □ هردو □
- نکته مهم : انتقال پیام ها به کودکان و نوجوانان با خانواده است اما با مشکل حیای روابط والدین - فرزند و یا عدم توجه کافی بسیاری از خانواده ها رو به رو است. بنابراین استفاده از مدرسه، اجتناب ناپذیر است.

۷) نمونه ای از پیام های آموزشی:

نمونه پیام ها به لحاظ قالب بندی های متنوع در پیش از دبستان و دبستان:

- بچه ها اندام هایی که مخصوص دفع زیادات بدن است، این اندام ها " اندام خصوصی " نام دارد . بنابراین فقط پدر و مادر و در مواقع خاص مانند بیماری ها ، پزشک ها حق نگاه کردن را دارند.
- علاوه بر آن، ما باید مواظب باشیم فردی به این اندام ها دست نزند و شوخی ننماید.
- اگر فردی ما را تهدید کردو قصد اذیت ما را داشت فوراً دوری کنیم و به مسئولان مدرسه، پدر و مادر یا بزرگتر های مورد اعتماد اطلاع دهیم.
- بدون اطلاع به پدر و مادر به دعوت کسی برای رفتن به منازل و غیر آن پاسخ ندهیم.

یک توضیح کوتاه در مورد راهنمای برنامه درسی: راهنمای برنامه درسی نقشه راه تالیف کتاب درسی، تدوین مواد آموزشی، کمک آموزشی، راهنمای ارزشیابی، راهنمای کار دانش آموز است. خلاصه اساس همه چیز در نظام برنامه ریزی درسی اگر بخواهد اصولی انجام شود تدوین سندی است به نام سند راهنمای برنامه درسی و البته قبلاً عرض شد این سند راهنمای برنامه درسی صرفاً لازم نیست بحث آموزش و پرورش رسمی مطرح شود. در این نقشه راه یکی از عواملی که بحث شد، مبانی و اصول است. مبانی تربیت جنسی، اصول تربیت جنسی، یکی از چیزهایی که خواستیم دوستان به ما کمک کنند تکمیل فهرست یازده، دوازده تایی اصول و مبانی تربیت جنسی بوده که در جلسه قبلی هم چهار پنج تا را آقای دکتر باقری از منابع استخراج کرده بود به عنوان مبانی انسان شناختی تربیت جنسی. اکنون سیزده چهارده تا تحت عنوان مبانی و اصول داریم که می توانید اصلاح بفرمائید. اما یک نکته در رابطه مبانی و اصول وجود دارد و در تربیت جنسی هست، نقش خاص معلم است. یکی از پیش فرضهایی که در مبانی و اصول پذیرفتیم ایناستکه ما پذیرفتیم در دوره ابتدائیتربیت جنسی با معلم خودشان است. این بحث در تعارض با فعالیت هایی مثل ریحانه النبی، کارهایی که حاج آقای محمدی و حاج آقای صادقی در عرصه عفاف و به ویژه حجاب انجام می دهند نیست. این فعالیت ها ناظر بر فعالیت هایی در سطح محدود است و در سطح محدود مربیان ویژه وجود دارند. دیدگاه ما این است یک نظام آموزش و پرورش رسمی داریم، این دیدگاه معلمی دارد، حالا برای این معلم حد متعارف، یک دوره آموزش ضمن خدمت هم در نظر بگیریم و ببینیم او چه محتوایی را می تواند منتقل کند.. محتوایی که یک معلم متعارف تدریس کند. این پیش فرض بنده است، بنابراین می تواند قابل نقد باشد. تصور نمی کنم آن قدر خوش بین باشیم به نظام آموزشی که بگوییم از صفر تا صد همه چی دست ماست، تجربه خودم را عرض می کنم بنده در سال ۱۳۷۷ در تدوین درس آمادگی دفاعی نقش

موثری داشتم و مولف کتاب درسی بودم، متوجه شدم حتی آموزش ضمن خدمت به این سادگی نیست که مولف کتاب درسی بگوید من می‌خواهم به معلمان آموزش ضمن خدمت دهم. متأسفانه تالیف کتاب درسی یک مقوله بود و زیر نظر سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی است، ولی آموزش ضمن خدمت اصلاً اساساً از صفر تا صدش زیر نظر معاونت دیگری بود. به هر حال به این سادگی نیست که کسی فکر کند همه چی دست ماست. من به عینه دیدم واقعیت‌های نظام رسمی ما غیر از این است. ما می‌خواهیم متنی آماده کنیم که معلم متعارف کلاس بتواند آمادگی تدریس داشته باشد. بنابراین در مساله آموزش جرات مندی، معتقدیم روانشناس باید تدریس کند، اینجا برای تکمیل بسته خودمان باید بگوییم ما یک کارگاه جرات مندی لازم داریم، و این کارگاه جرات مندی را روانشناسان تدریس می‌کنند که می‌تواند به صورت برنامه‌های به اصطلاح فوق برنامه در کنار برنامه رسمی، آموزش داده شود. که البته امکان استفاده از متخصصان یا مربیان خاص (مثلاً طلاب جوان) که بتوانند تمام مدارس را پوشش دهد شاید نوعی ساده انگاری باشد. می‌خواهم با صداقت بگویم خیلی تلاش کنیم تدوین محتوا دست ماست، باهمین وضع موجود و پدر و مادرهای موجود و معلمها، نه یک مدرسه خاص، به نظر این حقیر این یکی از پیش فرضها است. نکته بعدی آن که در جلسه گذشته حجت الاسلام ابراهیم پور کتابهای گروه ریحانه النبی را توزیع کردند. ما می‌دانیم این یک محتوا است، این محتوا یک فکر داشته، آن فکر را می‌توانیم با مهندسی معکوس استخراج کنیم. در این کتاب این کار را انجام دادند، یعنی بفهمیم آقای ابراهیم پور چه نقشه‌ای برای ارائه داشتند که این شده محتوا، لذا ما می‌توانیم از محتوا به آن نقشه فکری برسیم. ما در این کارگروه نقشه راه را می‌نویسیم نه خود محتوا را، از سوی دیگر محتوایی در بازار وجود دارد یا بدست ما می‌رسد، می‌توانیم مهندسی معکوس کنیم که مولفان که این متن را نوشتند در ذهن شان چه بوده است؟ بخش سوم آن که در بحث استقامت (یا خویش‌ننداری) صرف اینکه روی ایمان تکیه کنیم و فکر کنیم کسی که ایمان دارد حتماً استقامت لازم را انجام می‌دهد شاید کافی نیست به نظرم استقامت خود جایگاهی مستقل دارد. در مبنای روانشناسی آیا خود تنظیمی و اینکه فرد به خودش مسلط باشد مکانیزم‌هایی دارد؟ ما از طریق این کتابهای متعارف، یکسری شناخت‌هایی داریم که اهمیت اراده چیست؟ اگر کسی اراده و صبر داشت چقدر لذت دارد؟ شیرینی روزه گرفتن و موقع افطار را بگوییم. آیا کارگاهی به عنوان تمرین اراده وجود دارد؟ در همین کتابهای موجود فارسی اجتماعی و دینی به نظر می‌رسد علاوه بر ایمان بایستی روی اراده هم کار کرد. من تربیت جنسی را سه رکن می‌دانم. یکی یادگیری موارد کاملاً مرتبط با عفاف نظیر دانستن محرم و نامحرم، بدانم در جامعه سوء استفاده وجود دارد و یکی دیگر از محورهای تربیت جنسی " اعتقادات دینی " است و سومین محور " داشتن روحیه صبر و استقامت فردی "، اگر کسی مویش را بیرون می‌گذارد یا نمی‌داند این کار حرام است یا اساساً اعتقاداتش ضعیف است و حلال و حرام برایش مفهومی ندارد و یا " سست اراده و ضعیف‌الایمان " است - که البته این دو مفهوم آخر شاید دو چیز تلقی شوند! - یک سؤال اساسی من این است که صبر و استقامت فقط ثمره ایمان است یا نه در اثر نوعی تمرین‌های دیگر هم می‌توان به آن دست یافت؟

آقای دکتر باقری: عرض من این است که انشاءاً.. این مطالب برای دانش آموزان در قالب کتاب درسی آموزش داده شود و از موضوعات مختلفی که می‌شود استفاده کرد سه موضوع کلی را انتخاب کردم که به نظرم این موضوعات مهمتر بوده، بحث کنجکاوی و سئوالات جنسی کودکان، سوء استفاده و آزار جنسی و پیشگیری و بحث شکل گیری هویت جنسی و به تبع آن نقش پذیری جنسیتی متناسب با جنس که در قالب فرهنگ و جامعه اتفاق می‌افتد. در موضوع کنجکاوی، سئوالات جنسی خیلی متعددنند شاید بعضی از سئوالات که بشود به آن پرداخت " وجود تفاوت بین دختر و پسر " و سئوالاتی که بچه‌ها در رابطه با " اندامهای جنسی شان " می‌پرسند. پاسخگویی در مورد آشنایی با اندامهای مختلف بدن از جمله اندام جنسی، پاسخ حداقلی است که در این مواقع ارائه می‌کنیم که: " این اندامها برای دفع مواد زائد بدن استفاده می‌شود " و بچه‌ها با این پاسخها تا حدودی کنجکاوی شان برطرف می‌شود. این پاسخ برای پیش دبستانی یک و دو و شاید اوائل دبستان قابل استفاده باشد. یا استفاده از مصداق هایی که در طبیعت و حیوانات وجود دارد، تفاوت بین مرغ و خروس تا حدودی می‌توانند تفاوت دختر و پسر را نشان دهند. پیشنهاد می‌شود این مباحث را در پیش ۱ و ۲ و اول و دوم دبستان مطرح شود. اینکه چه قالب هایی می‌تواند به خودش بگیرد هنوز نمی‌دانم، داستان باشد، ایفای نقش باشد، نمی‌دانم. به هر حال کنجکاوی‌ها از حدود سه چهار سالگی شروع می‌شود بچه‌ها سئوالات خودشان را مطرح می‌کنند و اگر ما به عنوان منابع مطمئن نتوانیم به آنها پاسخ دهیم، پاسخهایی را دریافت می‌کنند که ابهام آفرین خواهد بود بنابراین باید به این بحث پرداخته شود. فرض این است که آموزش نسبت به اندام های جنسی باید توسط والدین شروع شود. (مثل اینکه چشم شما یک کارکردی دارد) ما بزرگترها با توجه به شرایط ذهنی خودمان می‌گوییم آن عضو حریم خاصی دارد و نباید در مورد آن صحبت شود، ولی برای بچه‌ها این گونه نیست، بنابراین صحبت نکردن در باره اندام جنسی برای آنها ابهام آفرین است. به نظر می‌رسد بیان صادقانه و قابل اطمینان از طرف والدین یا معلم که اندامهای مختلف کارکردهای مختلفی دارند و اندامهای جنسی هم این کارکرد را دارند، یعنی اشاره به کارکردهای حداقلی که اینجا گفتم (برای این محدوده سنی بحث دفع مواد زائد بدن) برای بچه‌ها در این مرحله قابل پذیرش است. پیش فرض من این است که باید در بحث کنجکاوی‌ها مخصوصاً این مواردی که اشاره شد منتظر نمایم که بچه‌ها سؤال کنند.

ردیف	موضوع اصلی	موضوع فرعی	دوره تحصیلی	پایه تحصیلی
۱	کنجکاوی و سؤال های جنسی کودکان	<ul style="list-style-type: none"> • تفاوت دختر و پسر • آشنایی با وظایف اندام های بدن • 	پیش دبستانی ابتدایی	پیش یک پیش دو پایه اول پایه دوم پایه سوم
۲	پیش گیری از سوء استفاده و آزار جنسی کودکان	<ul style="list-style-type: none"> • شناخت حریم شخصی خود • اهمیت و ضرورت محافظت از حریم خود • شناخت مصداق های حریم خود • آشنایی با حقوق خود • اهمیت و ضرورت احقاق حقوق خود • فراگیری مهارت نه گفتن و ابراز وجود 	پیش دبستانی ابتدایی	پیش یک پیش دو پایه اول پایه دوم پایه سوم پایه چهارم پایه پنجم پایه ششم
۳	هویت جنسی و نقش پذیری جنسی	<ul style="list-style-type: none"> • آگاهی از تفاوت دختر و پسر در بستر خانواده و فرهنگ • شناخت و پذیرش رفتارهای متناسب با جنس: گفتار، پوشش، رفتارهای، باورها، بایدها و نبایدها، انتظارات و ... • شکل گیری خود پنداره و عزت نفس متناسب با جنسیت فیزیولوژیکی 		پیش یک پیش دو پایه اول پایه دوم پایه سوم پایه چهارم پایه پنجم پایه ششم

سؤال از آقای دکتر باقری: آیا برای این مقطع ما نیاز به آموزش مستقیم به بچه ها داریم؟ پیشنهاد من برای این دوره سنی، توانمند سازی مربیان و خانواده برای پاسخگویی به نیازهای آموزشی بچه ها است، فرق می کند که یک ساعت آموزشی برای مسائل جنسی داشته باشیم یا اینکه مربی ما مهارت را داشته باشد که اگر بچه ای سؤال کرد بتواند جواب بدهد. درست است بحث کنجکاوی هست ولی اینکه در فضای عمومی کلاس، حتی برای بچه هایی که این سؤال هم برایشان ایجاد نشده مطرح شود چقدر ضرورت دارد؟ اینکه یک بچه خاصی به دلایلی، زودتر نیاز به این اطلاعات پیدا کرده مربی او باید مهارت داشته باشد تا بتواند جواب بدهد. آیا بهتر نیست این مهارت را دو مخاطب اصلی اش را مربیان و پدر و مادر قرار دهیم به جهت توانمند سازی برای این اهداف آموزشی، چون در این محدوده سنی هفت سال اول در تربیت دینی که مطرح می شود معمولا خیلی آموزش مستقیم مطرح نمی شود یک بحث عمده تر هم که بایستی خیلی به آن توجه داشته باشیم جلوگیری از آسیب ها است. خیلی جاها لازم نیست اطلاعاتی که بچه هنوز احساس نیاز نکرده داده شود.

آقای دکتر باقری: در باره آموزش به والدین توافق دارم که این موضوعات قابل استفاده برای والدین هست، اما یک نکته را توجه داشته باشید بحث کنجکاوی و سئوالات جنسی را بحث جداگانه ای نبینیم. به نظر من در بسته تربیت جنسی، کنجکاوی و بحث سوء استفاده جنسی در هم آمیخته است. چطور می توانیم به یک کودک ۵ ساله بحث سوء استفاده را آموزش دهیم، حریم خصوصی و اندامش را به او بگوییم اما نداند اندام جنسی اش چه کارکرد حداقلی دارد. اگر می خواهیم موفق باشیم نمی توانیم بحث سوء استفاده را مبسوط بگوییم اما در خصوص کنجکاوی و سئوالات هیچ ورود اولیه نداشته باشیم. اینها باید در کنار هم گفته شود. الان در فضاهای کلاسی موقعی که می خواهیم برای بچه ها سوء استفاده را آموزش دهیم خیلی شفاف به آنها می گوییم حریم شما چیست و این حریم باید نگهداری شود و به خوبی معلمین اگر آموزش دیده باشند می توانند به کارکرد اندام جنسی هم اشاره کنند. اتفاقا یک بحث خوبی می تواند توسط مربی ارائه شود. دغدغه ای که مربی توانمند است یا نه، درست است ولی این دو بحث با هم پیوسته است و نمی توانیم به یکی بپردازیم و دیگری را نه، یک بحث خوبی در مورد سوء استفاده داشتیم و آمارها را اشاره کردیم. ارائه ای که من در رابطه با سوء استفاده داشتیم آمار از داخل کشور ارائه کردم که الان آمار ما بالاست و می دانید این سوء استفاده و قربانی سوء استفاده پیامدهایی که ایجاد می کند خیلی زیاد است، به همین خاطر فکر می کنم این ورود باید اتفاق افتد.

سؤال از آقای دکتر باقری: این مواردی که در رابطه با سوء استفاده می فرمایید در دوره راهنمایی شاید لازم است ولی در سن شش، هفت سال باز هم اصل کار به عهده پدر و مادر است در ایجاد شرایط مناسب، حتی مشکلات بچه ها با خودشان به عدم توانائی پدر و مادر برمی گردد. یک آموزش پیشگیرانه برای پدر و مادر و مربی لازم است که اگر موردی برخورد کرد بتواند پاسخگو باشد.

آقای دکتر باقری: بحث تربیت جنسی، هم زمان باید با هدف گیری سه مخاطب والدین، مربیان و خود کودک باشد. تجربه آموزش مهارت های زندگی به بچه ها نشان داده است که موقعی که بچه ها آموزشی می بینند مثلا مهارت جرات ورزی، بچه هایاد می گیرند ابراز وجود کنند، والدین تلقی به بی ادبی و پرروئی، می کنند و بعد با بچه ها مقابله می کنند. در تربیت جنسی هم هر سه گروه باید آموزش ببینند، والدین، مربیان و کودکان و اینکه ما تاکید کنیم روی یک گروه فکر می کنم موثر نخواهد بود. آموزش مسائل جنسی باید از سنین چهار پنج سالگی که بچه ها به تدریج دختر و پسر بودن را می شناسند شروع می شود اما اینکه به چه شکل باشد محل بحث است اما اصل قضیه باید اتفاق افتد.

آقای دکتر صابری فتحی: بحث سوء استفاده جنسی از بچه ها در تمام دنیا مطرح است. حتی از اروپا افرادی به کشورهای دیگر مانند تایلند سفر می کنند برای سوء استفاده های جنسی، اما آسیبهایی که می تواند برساند درصدی نمی شود گفت. در آموزه های دینی داریم کشتن یک نفر مانند کشتن یک امت است. چند سال قبل فردی دستگیر شد تا جایی که اعتراف کرده بود حدود ۲۵ نفر را تجاوز کرده بود به بچه های کوچک سن دبستان و اینها را کشته بود. وقتی با او مصاحبه کرده بودند خودش قربانی تجاوز جنسی بود. آگاهی پدر و مادر به تنهایی کافی نیست، بچه باید یاد بگیرد از خودش محافظت کند. اگر بچه ای سئوالی می پرسد و دیگری نمی پرسد دلیل بر این نیست که برای او پیش نیامده، بلکه او ممکن است به دلیل شرم یا علت دیگری نپرسیده. در سن چهار سالگی من نمونه های زیادی را دیدم مخصوصا وقتی مادرش باردار می شود سئوال می کنند بچه چگونه می آید؟ همیشه این سئوال هست حالا اگر ما بخواهیم شرم کنیم عملا ابزار دفاع را از آنها می گیریم. نکته دیگر بچه ها در سن چهار سالگی فقط با هم سن شان بازی نمی کنند، چهار ساله ها با بچه های هشت ساله هم بازی می کنند، این سئوالها در ذهن بچه های هشت ساله هم هست، گاهی از طریق اینها منتقل می شود به بچه چهار ساله، ما نمی توانیم بگوییم چون ما نمی بینیم وجود ندارد، نه این سئوالها در ذهن بچه ها هست گاهی مطرح نمی کنند. در این، همیشه تجاوز اتفاق نمی افتد. تعدی کلامی هم وجود دارد. قانونی در فرانسه وجود دارد که یک نفر کارفرما اگر حرف جنسی رابه منشی بزند تعدی کلامی است. اما سئوالم این است که در مورد کارکرد مواد زائد گفتید، در مورد کارکردهای تولید مثل و مانند آن چه نظری دارید؟

آقای دکتر باقری: ما با ذهنیت کنجکاوانه یک کودک مواجهیم که گاهی با گفتن پاسخ حداقلی می توانیم کنجکاوی اش را برطرف کنیم. اما اینکه با توجه به تفاوت های کودکان، شاید فردی سئوالش بیشتر باشد امکان دارد نیاز به پاسخهای تکمیلی داشته باشیم.

آقای مهندس معماربانی: پیش فرض ما این است یکی از دلایل بزهکاری در نوجوانی برمی گردد به دوران کودکی، بحث ناهنجاریهای حاد را نمی گویم، همین مسائل معمولی بی حجابی، روابط دختر و پسر و مسائل دانشگاه آیا اینها الزاما به هویت جنسی برمی گردد، اگر برمی گردد چند درصد است که با این آموزش بخواهد اصلاح شود. اگر یک راه این است یک شبکه ای از مسائل باید کنارش دیده شود. مثلا ۱- "در کدام افراد و شرایط تربیتی خاص این مساله آموزش مستقیم

جواب می‌دهد؟"۲- " آیا سئوالهای بنیادی یک کودک در دوران شکل‌گیری او سئوالهای جنسی است؟ که حتی اگر سئوال نکرد مجبور به پاسخ باشیم" اینها پیش فرض است. بازی‌ها با هم سالان قبلا هم خیلی بوده حالا اصلا این شرایط نیست. قبلا دختر خاله با پسر خاله با هم بودند، حالا آن زمینه کمتر شده یا نه، می‌گوییم رسانه، رسانه تأثیرش در این قسمت است و دارای پیچیدگی‌هایی است. چه بسا پدر و مادر به این نتیجه برسند این حرفها را مطرح نکنند تا این مسائل پیش نیاید.

آقای دکتر باقری: من فکر می‌کنم شرایط سنتی تغییر کرده، دکتر باغلی می‌گفتند در مدارس سطح آگاهی بچه‌ها خیلی افزایش پیدا کرده، در سنین پایین با وجود رسانه ماهواره و موارد دیگر شرایطی که نسل گذشته داشتند در رابطه ارتباطات الان تغییر کرده، رویکرد من ایمن‌سازی است. چه افراد در معرض آسیبها و رفتارهای ناهنجار قرار گیرند یا نه، ما با رویکرد پیشگیرانه عمل می‌کنیم. خطر آموزش این مباحث آیا بیشتر از نگفتن آن نیست. وقتی از منبع قابل اعتماد این مسائل بیان شود خطرش خیلی کمتر است از چیزی است که بچه‌ها از منبع دیگر می‌گیرند. این برداشت نادرستی است که ما مسائلی را می‌گوییم که بچه‌ها پرو می‌شوند در صورتی که آنها خیلی سریع اطلاعاتی را در وضعیت امروز پیدا می‌کنند بنابراین این مسائل را از بعد مصون‌سازی می‌شود گفت.

آقای دکتر باغلی: در شرایط عادی چون فرزندان یک خانواده کم هستند و خیلی‌ها تک فرزند هستند این جور نیست که اطلاعات همه بچه‌ها بالا باشد. آن مساله که گفتم وقتی است که دو تا از بچه‌ها صحنه‌هایی را دیدند، فیلمی دیدند و در کلاس برای بقیه تعریف می‌کنند. راهکاری که ما به آن رسیدیم این است که اصلا رفتن به سراغ این مساله بیان مسائل مربوط به امور جنسی شاید کار درستی نباشد چون شبکه ذهنی همه کودکان در آن فضا نیست. چند تا از بچه‌ها فکر می‌کنند که گوش من دقیقا چکار می‌کند؟ چشم برای چیست؟ من ندیدم بچه‌ای از والدین سئوال کند بینی من برای چیست؟ چون فضای اجتماعی ما و در دنیا هم این طور است که آن فضا حریم خصوصی بوده و خیلی در موردش گفت و گویی اتفاق نمی‌افتد آنجا یک محل سئوال و تامل می‌شود. حالا اینکه با موضوعات جنسی چگونه مواجه شویم و قبل از اینکه بپرسند بیان شود، برای من سئوال است که منطقی است یا نه؟ در بحث تربیت جنسی این مساله است که آیا حل مسائلی که در حوزه تربیت جنسی داریم باید مستقیما از راه خود موضوع تربیت جنسی حل شود؟ نه، انسانی که دارای قدرت خویشتن‌داری در حوزه خوردن را دارد و آموزش پیدا کرده، وقتی به مساله جنسی هم می‌رسد انتظار داریم بتواند از قدرتش اینجا هم استفاده کند. یک موضوعی داشتید که مربیان و والدین در حوزه تربیت جنسی باید چه مهارتهایی داشته باشند و چه کارهایی را انجام دهند، اینکه می‌گویید برای پیش دبستانی و دبستانی متوجه شدم می‌خواهید مستقیم بروید سراغ خود بچه‌ها و به نظر من باید تامل کنیم. یک تفاوتی بین دوستان رویکرد روانشناسی و تعلیم و تربیت وجود دارد و آن این است که در حوزه روانشناسی آسیبها را خیلی می‌بینند، ما علوم تربیتی‌ها شرایط عادی را خیلی می‌بینیم. مساله دیگر آنکه در مدرسه در پایه پیش و اول و دوم عموما معلمها خانم هستند. مثلا در مدارس پسرانه، معلم رفتارش با دانش‌آموزان باید چگونه باشد؟ ما در سال گذشته در مدرسه رشاد این را داشتیم که

بچه ها چون در خانه با مادرهاشان دست می دهند الان وقتی مدرسه می آیند با همان سادگی خانه می خواهند با معلم ما هم دست بدهند، آیا معلم خانم باید دست بدهد یا نه؟ یا گاهی دانش آموز در حالتی هیجانی می شود و می خواهد خودش را در آغوش معلم بیاندازد و معلم می داند او در فکر مسائل جنسی نیست، آیا باید این اجازه را به او بدهد یا خیر؟ چون هم زمان در کلاس، دانش آموز دیگری است که معلم می داند او ذهنیتش با این دانش آموز فرق می کند. بنابراین جنس مسائل و مواردی که باید معلم در مدرسه رعایت کند خیلی پر رنگ تر از چیزی است که دانش آموزان با آن درگیر هستند و اینکه معلم چطور می تواند در فضای عمومی به این مسائل خاص (نظیر حریم خصوصی بدن) بپردازد به نظر من سخت است.

آقای دکتر باقری: اینکه روانشناسی فقط آسیبها را می بیند، نه، ما یک بحث جدی مان پیشگیری و بهداشت روانی است. برای اینکه بتوانیم رفتار سالم را پایه گذاری کنیم باید یک آموزشی را بدهیم.

آقای دکتر باغلی: این پیش فرضی که باید به دانش آموز این مسائل را بگوییم از کجا آوردید در واقع کسانی بوده اند که این آسیب ها را دیده اند و این اطلاع را نداشتند، بنابراین فکر می کنید اگر بگوییم مسئله را حل می کند، همین است که معتقدم روان شناسی مبتنی بر آسیبها است.

حجت الاسلام والمسلمین یوسفی: در آموزشهای دینی وقتی روایت اهل بیت(ع) را نگاه می کنیم می فرماید برای بچه در این سن این آموزشها را مطرح کنید، آیا دوستان دیده اند که به بچه در این سن باید بگوییم که رابطه جنسی این است. آیا در مجموعه آموزشهای دینی، در روایات آیا این دیده شده است یا خیر؟ نکته دوم اگر ما به این آسیب رسیدیم آیا باید از همین جا شروع کنیم یا جای دیگر را باید درست کنیم. ما خود آسیب را پیدا کردیم و نمی خواهیم بگویم آسیب نیست، هر چند تردیدهایی دارم با توجه به این آسیبهایی که هست ما باید سراغ آنهایی که آسیب ندیده اند برویم یا نه؟ ما آموزشهای دیگری در جهت توانمندی استقامت داشته باشیم. بعد حالا بچه های ما با این مشکل برخورد کردند باید عوامل دیگری را در شخص تقویت کنیم که به صورت غیر ارادی خودش آنجا درست شود. وقتی در قرآن می فرماید او لمستم النساء کاملا عفیفانه ورود پیدا می کند در یک مسله جنسی این دغدغه قابل تاملی است که اگر متدینین ما دغدغه ای را دارند که نروند سراغ آموزش جنسی این نگرانی درست است. اگر می خواهیم به آن آسیب نرسیم. در آموزشهایی که نوشتید، الان بیدار شدن قوای جنسی توسط خود پدر و مادر دیده نشده، که این مساله به خاطر رفتارهای خود پدر و مادر در خانه است.

آقای دکتر باقری: می خواهد در دوره ابتدائی در قالب چند تا کتاب آموزشی یک محتوایی آموزش داده شود، مثلا داستانی که در داستان یک بچه ای رفتارهایی انجام داده و اتفاقاتی برای او افتاده، یک خط فکری را در قالب داستان نشان می دهد.

وقتی می‌بینیم در فضای بیرونی خانه بچه دچار آسیب شده آیا مقدماتش، یا پدر و مادر رفتاری نداشتند که این بیدارسازی قوه شهوانی ایجاد شده باشد؟

والدینی بودند که رفتارهای اشتباهی داشتند، الان ما داریم از یک کتاب درسی برای دوره خاص صحبت می‌کنیم که موضوعاتی در حوزه رفتارهای سالم جنسی در آن قرار گیرد. اینکه والدینی رفتار اشتباه داشتند با این تناقضی ندارد. آقای دکتر باغلی گفتند سئوالات و کنجکاوی‌ها وجود ندارد من عکس ایشان فکر می‌کنم. کنجکاوی‌ها از چهار سالگی به بعد خیلی زیاد وجود دارد. تحقیقات نشان داده حجم یادگیری که در دوره سنی سه تا شش، هفت سالگی اتفاق می‌افتد برابر با بقیه عمرشان است. در یک دوره خاص همه چیز را می‌خواهند پرسند از جمله آنها سئوالات جنسی است. ما یک پدیده عام کنجکاوی داریم از جمله در مورد مسائل جنسی، اندام جنسی، این یک پدیده طبیعی است. دغدغه اینکه نحوه ورود چگونه باشد را می‌پذیریم اما باید به این کنجکاوی‌ها در حوزه اندامهای جنسی، تفاوت دختر و پسر و بعد از آن بحث سوء استفاده باید ورود پیدا شود. یک بحث عام است یک مورد خاص نیست.

آقای دکتر صابری فتحی: مساله پیشگیری از سوء استفاده است. در روزنامه‌ها خواندید که پدر یا دایی سوء استفاده کرده یا از نزدیکانش، همان کسی که فکر می‌کنید باید این را حفاظت کند از بچه سوء استفاده می‌کند. این لزوم مجهز کردن بچه‌ها به حفاظت از خودشان را نشان می‌دهد.

آقای دکتر باقری: در بحثهایی که داشتیم اکثر سوء استفاده یا بیش از ۵۰-۶۰ درصد توسط افراد آشنا است.

- با بحث آموزش مخالف نیستیم، با این که این را سر فصل کنیم به صورت عمومی و یکنواخت بگوییم و همه بچه‌های در این سن باید دریافت کنند. این دوره را برای توانمند سازی مادر قرار دهیم. موضوع سوء استفاده جنسی فقط بر اثر ندانستن فرزند نیست، عوامل متعددی دخیل است. بنابراین این مادر باید هم اطلاعات بچه و هم روابط او را مدیریت کند.

آقای دکتر باقری: در نگاه دینی می‌بینیم یک فرد می‌تواند در محیط بسیار منحرف و آسیب‌زا باشد اما خویشتن دار باشد، اشاره کردند به اراده از ویژگیهای شخصیتی، اگر آن فرد مهارتهای خویشتن داری و اراده داشته باشد با وجود محیط آسیب‌زا می‌تواند خود را کنترل کند. در بحث سوء استفاده باید بچه‌ها را ایمن کنیم توانائی را یاد بدهیم. با وجود همه این آموزشها باز هم بچه‌هایی که در معرض قرار می‌گیرند بالاست.

آقای دکتر صابری فتحی: مادر همیشه با بچه نیست. ممکن است در مهد این اتفاق بیفتد. این جور فکر نکنید یک مادر فرشته نجات است بالای سر بچه هست. این مساله را در نظر نمی‌گیرید به فرض یک خانواده بهترین خانواده با بهترین تربیت، ولی بچه قرار نیست درون خانه بماند، او به مدرسه می‌رود، حتی ممکن است او کلاس سوم است کلاس پنجمی کاری را انجام بدهد. وقتی در خانه نیست در مدرسه، سرویس، از او چگونه حمایت می‌کنید؟

آقای دکتر باغکلی: مشکل در مورد محتوای آموزش است. یک وقت می‌گویید می‌خواهیم در مورد اندامهای جنسی صحبت کنیم، یک وقت می‌خواهید مهارت کودک را بالا ببرید که هر چیزی را که شنیدی سریع به همه نگوئی باید با مادرت منتقل کنی، با پدر و یک آدم مطمئن، هر کسی هر پیشنهادی داد لازم نیست سریع جواب بدهی، این مهارتها متفاوت است. فکر می‌کنم ما یک عرصه ای را در آن ورود پیدا نکردیم و پیامدش را هم نمی‌دانیم. در مطلبی آمده بود پدری می‌گوید: فرزندم آمد درباره به دنیا آمدن بچه با من صحبت کرد، من هم با دیدگاه گفتار مستقیم به او توضیح دادم که مادرها حوضچه ای در دلشان دارند و بچه را آنجا نگه می‌دارند، بعد گفت بقیه حیوانات چکار می‌کنند و من جواب دادم، بعد گفت آیا نمی‌شود در اینترنت این-موارد مربوط به حیوانات- را پیدا کنیم، من با جستجویی، مواردی را پیدا کردم بعد گفت شاید در مورد آدمها هم باشد و من چند دقیقه بعد دیدم دارم در سایت های پورنو ورود پیدا می‌کنم برای اینکه می‌خواهم به کودکم چیزی را توضیح بدهم. این را در نظر داشته باشید که یکی از احتمالات این است که شما دارید سطح جدیدی از کنجکاوی را در کودکان ایجاد می‌کنید برای اینکه می‌گویید در یک کلاس ۲۰ درصد آسیب دیدند. شاید شما زمینه کنجکاوی جدیدی را ایجاد می‌کنید که آسیبهای جدیدتری را دارد.

آقای سعید زاده: دو نکته را باید مدنظر قرار داد یکی شرایط محیطی فرهنگی که کودک در آن قرار دارد فرقی نمی‌کند کودک در خانواده مذهبی است یا غیر مذهبی، در خانواده سنتی است یا روستایی و شهری، اقتضاء شرایط فرهنگی محیط در این نگاه خودش را نشان می‌دهد. اگر این را بپذیریم شاید نیاز نباشد بعضی جاها مستقیماً با خود کودک مواجه باشیم. نکته دیگر سالهائی که پیشنهاد شده سال اول و دوم شاید نقطه آسیب از سنین چهار پنج سالگی نباشد. در پژوهشهایی که ارائه کردید سن را ارائه نکرده بود اصل مساله و آسیب بود. به نظر من آسیبهای جنسی الان به ۷-۸ سالگی رسیده، فرضاً بپذیریم وجود دارد الان در نقاط اصلی اولویت دار باید روی والدین سرمایه گذاری کنیم یا روی مربیان یا روی خود مخاطب سرمایه گذاری کنیم، آیا دو راه قبلی طی شده و شما با یک نگاه کلی می‌گویید برای هر سه گروه باید باشد، اما در شرایط اقتضائی زمان ما روی کدام گروه سرمایه گذاری کنیم. یک وقت است اگر روی والدین تاثیر گذار باشد موضوع حل می‌شود. یکی سن را تاکید دارم، سن ۴-۵ سال خیلی پایین است.

آقای محمدی: فرض کنیم آمارهای سوء استفاده هم خیلی بالا است، اینکه سهم آموزش کودک در کاهش این آمارها چقدر خواهد بود؟ محل سوال و تامل است. امروز جستجو کردم آمار ثبت شده کودک آزاری در امریکا و بحث سوء استفاده جنسی، در سال ۲۰۰۹ کودکان سه میلیون بوده و همان مرکز آماری تخمین زده بود که شش میلیون سوء استفاده در سال ۲۰۰۹ انجام گرفته، این آموزشهایی که داریم صحبت می‌کنیم باشد یا نباشد آنها سالهای قبل شروع به آموزش کردند و فکر می‌کنم در سال ۲۰۰۹ قطعاً این آموزشها در مدارس شان بوده، این نوع آموزشها چقدر پیشگیری کرده است؟ بعد یک بررسی اجمالی داشتم در آموزه های دینی خودمان در باره سوء استفاده جنسی به این نتیجه رسیدم که بیشترین تمرکز روی بزرگسالان بوده، یعنی تبیین مجازات کسانی که مرتکب سوء استفاده می‌شوند از یک بوسیدن گرفته، روایت داریم اگر فردی کودکی را از روی شهوت ببوسد هم مجازات اخروی و هم دنیوی اش را بیان کردند، مثلاً

۶۰ ضربه شلاق من فکر می‌کنم کشورهای غربی از جمله آمریکا در بخش آموزش کودکان چیزی کم نگذاشتند ولی در عین حال آمار سوء استفاده رو به افزایش است. آنها در بحث قوانین و مجازات برزگسالان کم گذاشتند. آموزش را رد نمی‌کنم ولی شاید تبیین مجازات مرتکبین این خیلی مهم است. بالاخره یکی از عوامل پیشگیری اجرای حدود در ملا عام است. از سوی دیگر اگر اجرای حدود انجام بگیرد بچه هم می‌شنود و او تقریباً متوجه می‌شود. یک بحث آموزشهای غیر مستقیم در باره حفاظت از خود، انتقال داده می‌شود.

آقای دکتر سعیدی: این پیش فرض باید روی آن کار شود که در بحث سوء استفاده و آزار جنسی کودکان آیا لازم است وارد سئوالهای جنسی شویم. در پیشگیری از سوء استفاده آمده شناسایی حریم شخصی خود، آن چیزی که مربوط است به سوء استفاده جنسی است فقط بحث حریم خصوصی است.

آقای دکتر باقری: وقتی می‌گوییم سوء استفاده باید بفهمند یعنی چی؟ یک سوء استفاده مهم یعنی دست زدن به اندام خصوصی

آقای دکتر سعیدی: موضوع سوال های جنسی و سوء استفاده جنسی دو بحث هستند که نباید با هم مخلوط شوند. بحث باید متمرکز بر سوء استفاده جنسی باشد. دوم در مورد سوء استفاده تعجب می‌کنم که دوستان خیلی به بحث " فراوانی" توجه می‌کنند. در بحث "کمیت" می‌گوییم در دانشگاه فردوسی سالی ده هزار نفر سرما می‌خورند، هزار نفر بیماری دیگر و صد نفر تا پای مرگ پیش می‌روند این را می‌گوییم آمار، اما وقتی می‌گوییم در دانشگاه مشهد سالی یک نفر به طور مشکوکی به قتل می‌رسد. آیا شما وقتی مسئول فرهنگی باشید می‌گویید یک نفر از بیست هزار نفر است؟ (اندک است و قابل اعتنا نیست) به نظر نمی‌رسد اگر بدانید با نوعی پیشگیری (آموزش و یا ...) این یک نفر کشته نمی‌شود و حتی اگر مجبور باشید برای ۲۰۰۰۰ نفر هم آموزش بگذارید، از این کار - آموزش همگانی - صرف نظر کنید.

مثال دیگر: یک موردی که در سفر به خانه خدا پیش آمد رئیس هتل گفت چند مورد بوده کودکی تنها با آسانسور به طبقات دیگر رفته است و با کارگرهای هتلمساله خلاف پیش آمده است. فرض کنید آمار هم در حد یک صد هزارم باشد. اگر شما پدر و مادر باشید از بچه هاتان مراقبت نمی‌کنید؟ دقت کنید در آموزش های از جنس ایمنی، شما یک سری مراقبتها را شما انجام می‌دهید با وجود آمار بسیار کم.

آقای محمدی: تمام حرف این است که ما نمی‌گوییم آموزش داده نشود اما در محیط مدرسه نه، این را به والدین واگذار کنید.

آقای دکتر صابری فتاحی: در فرانسه بچه زیر ۱۲ سال را تنها به مدرسه نمی‌فرستند و موقع آزاد شدن از مدرسه تا والدینش نیابند او را به کسی تحویل نمی‌دهند. تا ۱۲ سالگی صندلی جلو ماشین هم نباید بنشینند. آقای دکتر باقری

توضیح دادند که وقتی به بچه پیش دبستانی بخواهیم بگوییم می‌گوییم اندام جنسی همین جاهایی که مواد زائد بدن خارج می‌شود. بنابراین چه مشکلی دارد که بچه را در مورد حریم خصوصی و محافظت از آن آموزش دهیم؟

آقای دکتر باغلی: در مدرسه وقتی معلم این را توضیح می‌دهد ما نمی‌دانیم بچه‌ها در ساعت بعد در محوطه با این موضوع چگونه برخورد خواهند کرد. یعنی فضای گفتگوی بین بچه‌ها را ما خودمان ایجاد کرده ایم.